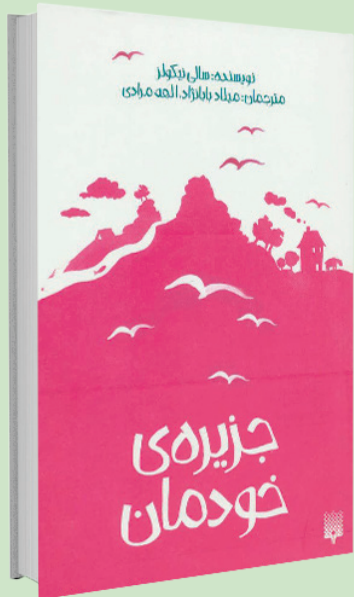




معماهایی برای زندگی راز جزیره

آوا افتخار، پایه هفتم



«اسم من هالی ترزا کنت است. تا به حال در عمرم کتابی ننوشته‌ام که تعجبی هم ندارد، چون فقط سیزده سال دارم، اما اصلاً نگران نباشید، کتاب زیاد خواندم و خوب می‌دانم که اول از همه باید شخصیت‌ها را معرفی کنم. فرض کنید می‌خواهم کتابم را مثل داستان‌های شرلوک هولمز شروع کنم. در کتاب‌های شرلوک داستان این طوری شروع می‌شود که چند نفر در خانه‌اش را می‌زنند و هولمز با یک نگاه به آنها همه چیز را حدس می‌زند. با ورنند از کردن دختر حدس می‌زند که چپ‌دست است و شغلش خیاطی است و فلوت هم می‌زند... راستش را بخواهید من هم خیلی سعی کردم این کار را روی دیگران امتحان کنم، اما حدس زدن در زندگی واقعی خیلی سخت‌تر از کتاب‌هاست...»

همیشه گنج‌ها در اوج ناامیدی پیدا می‌شوند یا مکان آن وقتی فاش می‌شود که همه از پیدا کردن یک دلخوشی کوچک ناامید شده‌اند. سخن حالا و متن امروز من درباره همین تجربه‌هاست. کتاب جزیره خودمان، به قلم سالی نیکولز و ترجمه الهه مرادی و میلاد بابائزاد، داستان دختری نوجوان را روایت می‌کند که بعد از فوت والدینش، با برادران خود زندگی می‌کند. برادر بزرگ او حالا سرپرست دو نفر است اما این خانواده کوچک از پس مخارج زندگی بر نمی‌آید. خاله پولدار آنها بعد از فوتش کمی جواهر برای این خانواده به ارث گذاشته که فقط در صورت حل معما خاله

آیرین قابل دسترسی هستند. کتاب قلم زیبایی دارد، جملات کلمه به کلمه به واضح ترجمه شده بودند و منظور نویسنده را به خوبی منتقل می‌کردند و می‌رساندند ولی اسم کتاب فاجعه است. شاید در طی ترجمه چنین بلایی سر اسم آمده اما نام کتاب اصلاً به داستان مربوط نیست و در سرتاسر قصه فقط یک بار به آن اشاره شده است. به نظرم نام‌های دیگری مثل «راز جزیره» پیشنهاد بهتری به جای نام فعلی کتاب یعنی «جزیره خودمان» است.

توصیف شخصیت در طول داستان جذاب بود و من کاملاً احساسات آنها را درک می‌کردم ولی درباره ظاهر، باید گفت ظاهر شخصیت‌ها کم و نامفهوم توصیف شده است. آن قدر که من حالا دو چهره برای هالی در ذهنم دارم. نوع نوشتن گفت‌وگوها چندبار باعث شد حرف‌های شخصیت‌ها را جابه‌جا بخوانم و مسأله را خیلی خوب درک نکنم ولی بعد خواندن دوباره و سه باره قیل فهم می‌شد.

ولی یک مشکل خیلی در داستان پررنگ بود و آن هم مشخص بودن سرنوشت قصه است؛ مثلاً کاملاً مشخص بود که گنج در آخرین مکان پیدا می‌شود یا اینکه شوهر خاله آیرین هم دست به کار خواهد شد. با وجود این مشکلات، حوادث ناگهانی را دوست داشتم مثل پیدا شدن شوهر خاله یا حتی قهر کردن گروه جست‌وجو و حتی لحن تند که جانانان در بعضی قسمت‌های داستان داشت.

در کل کتاب بسیار زیبایی بود و من بابت تمام شدنش ناراحت هم شدم و قطعاً روزی آن را مجدداً می‌خوانم.



همیشه گنج‌ها در اوج ناامیدی پیدا می‌شوند یا مکان آن وقتی فاش می‌شود که همه از پیدا کردن یک دلخوشی کوچک ناامید شده‌اند. سخن حالا و متن امروز من درباره همین تجربه‌هاست

روایت جنگ چهار نسل برای وطن فلسطین در زخم داوود



مهدیه جاهد
خبرنگار

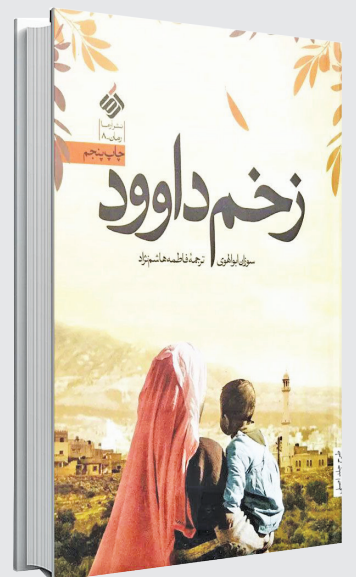
است. جدای از پرداختن به مسأله اصلی فلسطین، مقاومت مردم، به جنگ از زاویه تغییر دادن آدم‌ها، حساس کردن انتخاب افراد و نکات ریز و کلیدی که جنگ بر خانواده و روابطشان می‌گذارد نیز پرداخته است. همچنین نگاهی ظریف به فرهنگ خانواده در فلسطین در برابر اجبار و زوری که صهیونیست‌ها برای برپایی خانواده روی تل خاکستر فلسطین برای خود دارند کرده است. داستان روایت زندگی دختری به نام امل است که از همان کودکی شاهد حملات وحشیانه ارتش صهیونیستی به سرزمینش است و خانواده‌اش را در همین مسیر از دست می‌دهد.

امل در کتاب به روایت تاریخی می‌پردازد که خودش با عمق وجود تمام رنج و سختی آن را حس کرده بود؛ شرایطی که در آن آوارگی و کشتار کودکان و مردمش را از نزدیک دیده و درک کرده است.

اما از جذابیت‌های بزرگ کتاب جذب مخاطب غیرایرانی و غیرفلسطینی است. زاویه روایت داستانی نه متعصبانه و نه اغراق‌آمیز است. ابوالهوی با تیزهوشی و همچنین تجربه زندگی در بین مردم امریکا امل را طوری شخصیت پردازی کرده است که هیچ یک از ویژگی‌های حساسیت برانگیز کشورهای غربی و اروپایی را نسبت به مسأله فلسطین و یهود ندارد؛ بلکه با ذکاوت تمام داستان را طوری پیش می‌برد که مسأله فلسطین برای ملتی غیر از خاورمیانه خواندنی جذاب و تأثیرگذار باشد.

نقطه عطف داستان تقابل و رویارویی افراد یک خانواده با هم است. آنجا که دو برادر امل نقش پررنگی در مقاومت مردم فلسطین دارند و در حال جنگ با اسرائیل هستند و از طرفی برادر دیگرشان به ارتش اسرائیل می‌پیوندند. همسری یهودی اختیار می‌کند و امل که بازمانده و شکنجه شده جنگ اسرائیل است با برادر خود روبه‌رو می‌شود. در نهایت آن طور که از این تقابل می‌توان فهمید ابوالهوی قصد داشته با قراردادن خانواده و زندگی امل به عنوان نماد فلسطینیان و جامعه عرب، در کنار جنایت‌های صهیونیست‌ها بخشی از نقدهای خودش را نیز به اعراب مطرح کند.

سوزان ابوالهوی نویسنده فلسطینی الاصل ساکن امریکاست. او که فعال اجتماعی و نویسنده فلسطینی است، با تجربه‌ای که از جنگ داشته، رمان زخم داوود را نوشته و به این بهانه، مسائل اجتماعی و انسانی را به تصویر کشیده است. فاطمه هاشم‌نژاد این رمان را در ایران به فارسی ترجمه و توسط نشر آرم منتشر کرده است. ابوالهوی در رمان زخم داوود مردمش را به تصویر کشیده است. روایت نسل در نسل خونین در جنگ فلسطین. جنگی که جدای از علت آن، ماهیتش شکست و آوارگی و نابودی است. ابوالهوی رمان را با مضمون مقاومت مردم فلسطین نوشته است و در ادامه به روند زندگی چهار نسل در جنگی نابرابر و سلطه گرانه پرداخته، به عشق، ایمان و غرور مردم فلسطین. کتاب زخم داوود که در سال ۲۰۰۶ در امریکا منتشر شده تاکنون به ۲۶ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. این کتاب در فرانسه با نام صبحگاهان در جنین منتشر و تبدیل به پرفروش‌ترین رمان سال شد. ابوالهوی با شخصیت اصلی داستان یعنی امل به جنگ فلسطین از زاویه‌ای جدید پرداخته



ابوالهوی رمان را با مضمون مقاومت مردم فلسطین نوشته و در ادامه به روند زندگی چهار نسل در جنگی نابرابر و سلطه گرانه پرداخته است